



بررسی حقوقی

# حق العملکاری در بازرگانی داخلی

## مقدمه و تعریف

نموده است: «حق العملکار کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری (آمر) معاملاتی کرده و در مقابل حق العملی دریافت میدارد».

چنانکه از ماده فوق معلوم میگردد، اولاً حق العملکار به دستور آمر عمل میکند؛ ثانیاً کلیه معاملات به نام حق العملکار ولی به حساب آمر انجام میگردد که نتیجتاً سود و زیان معاملات نیز عاید شخص اخیر میگردد؛ ثالثاً حق العملکار مستحق کارمزد (حق العمل) می باشد اعم از اینکه معامله

یکی از ابزارهایی که می تواند انجام معاملات را سهل و آسان نماید، حق العملکاری<sup>۱</sup> می باشد.

حق العملکاری عبارت از انجام هر نوع معامله و خرید و فروش است که در مقابل اخذ کارمزد بوسیله حق العملکار، به حساب دیگری (آمر) انجام میگردد. شخصی که انجام معامله مزبور را به دیگری محول مینماید آمر، و شخص انجام دهنده را عامل یا حق العملکار گویند. قانونگذار در ماده ۳۵۷ قانون تجارت، حق العملکار را چنین تعریف

1. Commission.

---

حق العملکار کسی است که به نام خود ولی به حساب دیگری (آمر)  
معاملاتی کرده و در مقابل حق العملی دریافت میدارد.

---

انجام شده سودآور و یا زیانبار باشد، رابعاً هر نوع تکلیف یا تعهدی در نتیجه تنظیم قرارداد یا معامله بین حق العملکار و طرف مقابل، برای حق العملکار ایجاد شود؛ از آنجا که وی به نام خود اقدام به انجام معامله نموده است، مسئولیت آن مستقیماً متوجه خود او می باشد و هیچگونه ارتباطی با آمر پیدا نمی کند.

نکته قابل توجه در ماده مذکور اینست که قانونگذار حق العملکاری را تنها برای شخص حقیقی (حق العملکار کسی است که ... ) فرض کرده است، زیرا آنچه که از کلمه «کسی» در ماده یاد شده استنباط میشود، شخص حقیقی (فردانسان) می باشد؛ حال آنکه ممکن است موضوع حق العملکاری بوسیله شخص حقوقی (شرکت) نیز انجام گیرد. مثلاً شرکتی بازرگانی تأسیس شود که موضوع فعالیت آن انجام هر نوع معامله در چارچوب حق العملکاری باشد. این نظر، خصوصاً در زمان فعلی که معاملات و خدمات تجاری روز به روز رشد فزاینده تری می یابند، تقویت میگردد. به این معنی که در حال حاضر بویژه در تجارت بین الملل، موضوعاتی که جنبه خدمات بازرگانی دارند نظیر حمل و نقل و بیمه کمتر بوسیله فرد یا مؤسسات تجاری کوچک (بنگاه) انجام میشود، بلکه

موضوعات مذکور در قالب شرکت های بازرگانی که مطابق تشریفات ذکر شده در قانون تجارت تأسیس می یابند، به انجام میرسد.  
رابطه حقوقی حق العملکار و آمر تابع شرایط قرارداد تنظیمی بین طرفین و مقررات اختصاصی قانون تجارت می باشد. اما مقررات مربوط به وکالت نیز، بجز در مواردی که بموجب قانون مذکور استثناء گردیده، در حق العملکاری رعایت میگردد. (ماده ۳۵۸ ق.ت.)

در این مقاله، مسائل مربوط به حق العملکاری نظیر فواید و قلمرو حق العملکاری، تفاوت حق العملکاری با دلالتی و نمایندگی تجاری و وظایف، حقوق و مسئولیت حق العملکار مورد بحث قرار خواهد گرفت.  
الف: فواید و قلمرو حق العملکاری –  
حق العملکاری یک تأسیس حقوقی است که می تواند در معاملات بازرگانی، بویژه مبادلات تجاری بین المللی نقش ارزنده ای داشته باشد. امروزه با توجه به توسعه معاملات در زمینه های مذکور، اشخاص خصوصاً تجاری قادر به انجام تمام معاملات خود به تنهایی نمی باشند و یا به عللی نمی خواهند معاملات مورد نظر را شخصاً انجام دهند. در اینجا است که ضرورت

حق العملکاری به وضوح احساس می‌گردد.

حق العملکاران به علت شهرت و اعتباری که کسب کرده‌اند وسیله تسهیل معاملات قرار می‌گیرند و بازرگانان و اشخاص دیگر با اطمینان خاطر حاضر به معامله با آنها می‌شوند. کثرت معاملات و آشنایی بیشتر حق العملکاران با شرکتهای بازرگانی و مؤسسات صنعتی، همچنین اطلاع از کیفیت و نرخ تجارتي اجناس، انجام معاملات را به مراتب آسانتر، سریعتر و با صرفه‌تر از زمانی می‌نماید که شخص آمر بخواهد تمام معاملات خود را شخصاً انجام دهد. بنابراین منفعت و سود اشخاص، خصوصاً تجار در مبادرت به انجام معاملات ایجاب میکند که چون به وضع محل خرید و فروش به ویژه بازارهای معاملاتی کشورهای خارج آشنایی کافی ندارند و یا فاقد شهرت و اعتبار لازم در میان بازرگانان محل می‌باشند، به حق العملکاران مستقر در محل مراجعه، تا اشخاص مزبور نسبت به انجام معاملات مورد نظر اقدام نمایند.

این مسأله گاهی اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا میکند و آن زمانیست که انجام معامله متضمن معاملات دیگری باشد. مثلاً، تاجر فرانسوی احتیاج به خرید مقدار زیادی پنبه از ایران دارد. برای سهولت در انجام کار می‌تواند با مراجعه به یک تاجر ایرانی بعنوان حق العملکار، سرمایه لازم را در اختیار وی قرار دهد تا او قراردادهای لازم را عنداللزوم با

کشاورزان مربوطه منعقد نماید و بعداً پنبه خریداری شده را که حق العملکار بنام خود خریده است برای آمر (تاجر فرانسوی) بفرستد. بهمین ترتیب خریدار (آمر) که میخواهد کالای خود را در محل دیگری بفروشد برساند اجناس خود را برای همان حق العملکار ارسال داشته تا پس از انجام معامله، حاصل فروش برای وی ارسال گردد. مسأله قابل توجه اینست که آیا حق العملکار الزماً باید اقدام به انجام معاملات تجارتي نماید<sup>۱</sup>، یا می‌تواند به معاملات غیرتجارتي (نظیر خرید و فروش اموال غیرمنقول) نیز پردازد و آیا تنها در صورت انجام معاملات نوع اول، عمل وی تجارتي محسوب میشود، یا اقدام به معاملات نوع دوم تأثیری در تجارتي بودن عمل او نداشته و در صورتیکه حق العملکاری شغل معمولی وی قرار گیرد، تاجر محسوب میشود؟

قانون تجارت در قسمتی از بند ۳ ماده ۲، هر قسم عملیات حق العملکاری (کمیسیون) را معامله تجارتي محسوب داشته است. از طرفی مطابق ماده ۳۵۷ این قانون در مورد تعریف حق العملکار، مقتن کلمه «معاملات» را بطور عام و مطلق و بدون هیچگونه قید و تخصیصی ذکر نموده که بدین ترتیب می‌توان چنین نتیجه گرفت: حق العملکار می‌تواند اقدام به هر نوع معامله اعم از تجاری و غیرتجاری نماید و در هر صورت عمل او تجارتي محسوب می‌گردد.

۱ - عملیات تجارتي در ماده ۲ قانون تجارت، طی ۱۰ بند احصاء و ذکر گردیده است.

دلالت وظیفه ای جز پیدا کردن مشتری یا فروشنده و معرفی آنها به یکدیگر جهت انجام معامله ندارد، در حالیکه حق العملکار خود، طرف مستقیم معامله با شخص ثالث قرار میگیرد، هر چند معامله مزبور را به حساب آمر انجام میدهد.

فروشنده و معرفی آنها به یکدیگر جهت انجام معامله، وظیفه دیگری ندارد و جز با اجازه مخصوص نمی تواند نمایندگی یکی از طرفین را عهده دار شود، در حالیکه حق العملکار خود، طرف مستقیم معامله قرار میگیرد، هر چند معامله مزبور را به حساب آمر انجام میدهد:

۲- دلال، جز در مواردیکه از یکی از طرفین معامله ضمانت کرده باشد و یا مرتکب تقصیر (تعدی و تفریط) شده یا از مقررات دلالتی تخلف نماید، هیچگونه مسئولیتی از لحاظ معامله ندارد، در صورتیکه حق العملکار علاوه بر آنکه در مقابل طرف معامله مسئول انجام تعهداتی می باشد که به نام خود تقبل کرده است، در مقابل آمر نیز باید انجام معامله را به اطلاع وی رسانده و حاصل معامله را در اختیار او قرار دهد.<sup>۲</sup> حق العملکاری با نمایندگی تجارته<sup>۳</sup> نیز متفاوت است. تفاوتهای مربوطه عبارتند از:

۱- نمایندگی تجارتهی معامله را به نام شخص تاجر و آمر انجام میدهد و خود شخصاً

بنابراین نباید تصور کرد که عمل حق العملکار در مورد معاملات بازرگانی، تجارتهی و در غیر این موارد غیرتجارتهی است، بلکه قطع نظر از نوع معامله حق العملکار، خود عمل حق العملکاری، همچون دلالتی (اعم از اینکه دلالت واسطه معاملات اموال منقول شده باشد یا غیرمنقول) عمل تجارتهی و تابع آثار و احکام قوانین تجارتهی خواهد بود. به علاوه، مطابق ماده ۱ ق.ت. کسی که شغل معمولی خود را عملیات تجارتهی قرار دهد، تاجر محسوب میشود.

#### ب: تفاوت حق العملکاری با دلالتی و

نمایندگی تجارتهی - هر چند دلالتی<sup>۱</sup> و حق العملکاری مطابق مقررات قانون تجارت، هر دو عمل تجارتهی محسوب شده و فاعلین آنها با توجه به ماده ۱ قانون مزبور تاجر شناخته میشوند و از طرفی واسطه معاملات واقع میگردند، لیکن بین عمل دلالتی و حق العملکار تفاوتهای ذیل وجود دارد:

۱- دلال جز پیدا کردن مشتری یا

۱- دلالتی، واسطه بودن برای انجام معاملات است بدون اینکه خود دلالتی، یعنی کسی که در برابر اجرت، واسطه انجام معاملات قرار میگیرد، خریدار یا فروشنده باشد.

۲- حسن ستوده تهرانی، حقوق تجارت، جلد چهارم (تهران: انتشارات دهخدا، ۱۳۵۰)، ص ۴۸.

مسئولیت یا تعهدی ندارد، در صورتیکه حق العملکار چون به نام خود معامله میکند، در مقابل طرف معامله مسئول تعهدات مقرر می‌باشد.

۲ - حق العملکار شخصاً مؤسسه خود را تأسیس می‌نماید و حال آنکه نماینده تجارتنی در تجارتخانه‌ای که آمر (تاجر) تأسیس نموده، انجام وظیفه می‌نماید و هزینه‌های تجارتخانه نیز بر عهده آمر می‌باشد.

۳ - نماینده تجارتنی با حقوقی ثابت که از طرف تاجر معین گردیده اقدام به انجام امور از جمله معاملات تجارتخانه می‌نماید، در حالیکه حق العملکار با دریافت کارمزد به نسبت معاملات انجام شده، وظیفه حق العملکاری را انجام میدهد.<sup>۱</sup>

۴ - ممکن است حق العملکار در یک زمان از طرف چند آمر به انجام معاملات مربوطه اقدام نماید، در صورتیکه نماینده تجارتنی معمولاً از طرف یک تاجر انجام وظیفه میکند.

۵ - حق العملکار، چنانچه انجام معاملات را شغل معمولی خود قرار دهد تاجر

محسوب می‌گردد و از حقوق آن بهره‌مند می‌شود، حال آنکه نماینده تجارتنی، چون به نام تاجر و به حساب او عمل میکند، هیچگاه خود، تاجر و بازرگان به حساب نمی‌آید.

ج: وظایف حق العملکار - قانون تجارت وظایف عمده و اساسی حق العملکار را در برابر آمر به شرح ذیل بیان نموده است:

۱ - اطلاع فوری به آمر - از آنجا که حق العملکاری نوعی نمایندگی از سوی آمر محسوب می‌شود، لذا حق العملکار باید در صورت انجام مأموریت و یا تهیه و تدارک مقدمات کار، آمر را از چگونگی و پیشرفت آن مطلع سازد. ماده ۳۵۹ ق.ت. در این مورد مقرر می‌دارد: «حق العملکار باید آمر را از جریان اقدامات خود مستحضر داشته و مخصوصاً در صورت انجام مأموریت این نکته را به فوریت به او اطلاع دهد».

رعایت این موضوع در حق العملکاری از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، زیرا اولاً قیمت اجناس همیشه ثابت نیست و ممکن است ترقی یا تنزل نماید، بنابراین

۳ - قائم مقام (نماینده) تجارتنی کسی است که رئیس تجارتخانه او را برای انجام کلیه امور مربوط به تجارتخانه یا یکی از شعب آن نایب خود قرار داده و امضای او برای تجارتخانه الزام‌آور است. (ماده ۳۹۵ ق.ت.). لازم بذکر است که نمایندگان تجارتنی دارای اقسامی می‌باشند. در این مقاله هر کجا از نماینده تجارتنی سخنی به میان آمده است منظور نماینده تجارتنی غیر مستقل است که قانون تجارت ایران تنها به این قسم از نمایندگی اشاره دارد. اما در مورد نماینده تجارتنی مستقل و تفاوت‌های آن با حق العملکاری، می‌توانید به ماهنامه بررسی‌های بازرگانی، مقاله نمایندگان تجارتنی، منتشر شده در اردیبهشت ماه ۱۳۷۰، صفحات ۸۴ الی ۱۰۴ مراجعه کنید.

۱ - حسینی کاتبی، حقوق تجارت. (تهران: انتشارات کتاب فرزاد، ۱۳۶۳) ص ۲۷۵.

برخی از وظایف حق العملکار مطابق قانون تجارت عبارتند از: اطلاع فوری انجام معامله به آمر، رسیدگی به کالا و جلوگیری از فساد آن، ذینفع نبودن در معامله مگر در موارد خاص و انجام دستورات آمر.

حق العملکار باید پس از انجام معامله آمر را از این موضوع آگاه سازد، در غیر اینصورت ممکن است آمر بعلت عدم اطلاع از انجام معامله و یا افزایش قیمت کالای خریداری شده، یا مشتری مناسبی را از دست بدهد، و یا از بابت عدم النفع متضرر گردد. حتی در صورت کاهش بهای کالا نیز اطلاع آمر از انجام معامله ممکن است بی فایده نباشد، زیرا مثلاً یک تاجر آگاه، با تجربه و آشنا به وضعیت خرید و فروش و بازار، می‌تواند با فروش کالای خود از ایراد خسارت بیشتر در اثر تنزل مجدد بهای کالا جلوگیری به عمل آورد. ثانیاً، حق العملکار در مظان سوءاستفاده و اتهام قرار نمی‌گیرد. یعنی چنانچه حق العملکار فوراً آمر را از جریان اقدامات و معاملات انجام شده مطلع سازد تصور اینکه وی درصدد ننگه داشتن معامله برای خود بوده تا از افزایش قیمت کالای خریداری شده استفاده نماید، قابل قبول نمی‌باشد. از اینرو رعایت دقیق ماده فوق از سوی حق العملکار، مصلحت آمر را تأمین و حُسن نیت و صحت عمل حق العملکار را به اثبات میرساند.

۲ - رسیدگی به کالا و جلوگیری از فساد آن -

حق العملکار نماینده و امین آمر محسوب میشود و در مواردیکه کالا را به حساب آمر خریداری میکند و نزد خود نگاه میدارد یا مال التجاره‌ای را از وی دریافت میدارد که بعداً به فروش برساند، باید کوشش و مراقبت لازم را برای حفظ مال التجاره و حقوق احتمالی آمر به عمل آورد. بعنوان مثال، ممکن است مالی که برای فروش نزد حق العملکار فرستاده شده دارای عیوب ظاهری باشد که در این صورت حق العملکار باید به هنگام تحویل گرفتن کالا از متصدی حمل و نقل، او را از عیوب کالا آگاه سازد و الاً آمر نمی‌تواند بعداً علیه متصدی نامبرده از جهت خسارات وارده اقامه دعوی نماید. ماده ۳۶۱ ق.ت. در این مورد می‌گوید: «اگر مال التجاره که برای فروش نزد حق العملکار ارسال شده دارای عیوب ظاهری باشد، حق العملکار باید برای محفوظ داشتن حق رجوع بر علیه متصدی حمل و نقل و تعیین میزان خسارات بحری - آواری<sup>۱</sup> - به وسایل مقتضی و محافظت مال التجاره اقدامات لازمه را بعمل آورده و آمر را از اقدامات خود مستحضر کند و الاً مسئول خسارات ناشیه از این غفلت خواهد بود.

۱ - خسارت و خرابی وارده بر کشتی و محمولات آن را «آواری» می‌گویند که این کلمه از «الْعَوَار» عربی به معنی «عیب» گرفته شده است.

همچنین اگر بیم فساد سریع مال التجاره ای رود که نزد حق العملکار برای فروش ارسال گردیده، مطابق ماده ۳۶۲ ق.ت. حق العملکار می‌تواند، و حتی در صورتیکه منافع آمر ایجاب کند مکلف است مال التجاره را با اطلاع مدعی العموم (دادستان) محلی که مال التجاره در آنجاست یا نماینده او به فروش برساند.

بنابراین، چنانکه ملاحظه میشود در مورد کالای فاسدشدنی حق العملکار نباید منتظر بماند تا آمر دستور لازم را در این مورد صادر و ارسال دارد، زیرا در اینصورت ممکن است مال التجاره از بین رفته و خسارت غیرقابل جبرانی به آمر وارد آید. بدین ترتیب روشن میگردد که مسئولیت حق العملکار تنها منحصر به مواردی نیست که وی از دستورات آمر سرپیچی کرده است، بلکه در مورد مذکور نیز که دستوری از سوی آمر واصل نگردیده است، حق العملکار موظف به انجام تکلیف یاد شده می‌باشد.

۳- ذینفع نبودن در معامله (مگر در مورد خاص)

حق العملکار نمی‌تواند شخصاً طرف معامله [با آمر] قرار گیرد، زیرا در اینصورت ممکن است نفع خود را بر نفع آمر ترجیح دهد. بعلاوه، در صورتیکه شخصاً طرف معامله قرار گیرد موضوع حق العملکاری از بین می‌رود،<sup>۱</sup> به این معنی که چون موضوع حق العملکاری عبارت از انجام معامله به نام حق العملکار (هر چند به حساب آمر) و قرار گرفتن او به عنوان یکی از طرفین معامله می‌باشد و در

مقابل انجام عمل مزبور حق العمل دریافت میکند؛ بنابراین اگر حق العملکار شخصاً طرف معامله با آمر قرار گرفته و برای خود اقدام به انجام معامله نماید، موردی برای موضوع مذکور باقی نمی‌ماند. زیرا در اینگونه موارد دیگر حق العملکار به نام خود با طرف ثالث وارد معامله نمی‌شود و نقش واسطه بودن خود را در معامله از دست میدهد. این موضوع، یعنی اقدام به انجام معامله از سوی حق العملکار برای خود، تنها در ماده ۳۷۳ ق.ت. به شرح ذیل ذکر گردیده است:

«اگر حق العملکار مأمور به خرید یا فروش مال التجاره یا اسناد تجارתי و یا سایر اوراق بهاداری باشد که مظنه بوردی یا بازاری دارد، می‌تواند چیزی را که مأمور به خرید آن بوده، خود شخصاً به عنوان فروشنده تسلیم کند و یا چیزی را که مأمور به فروش آن بوده شخصاً به عنوان خریدار نگاهدارد، مگر اینکه آمر دستور مخالفی داده باشد.»

با توجه به مفاد ماده مذکور، حق العملکار تنها در صورتی می‌تواند شخصاً طرف معامله با آمر در خرید یا فروش کالای وی، اعم از مال التجاره و یا اسناد تجارתי و اوراق بهادار قرار گیرد که قیمت خرید یا بهای فروش آنها در بازار یا بورس معین باشد، و الا چنانچه کالا یا اسناد مزبور مظنه بوردی<sup>۲</sup> یا بازاری نداشته باشند حق العملکار مجاز به خرید یا فروش آنها برای خود نمی‌باشد.

۱- ستوده تهرانی، پیشین، ص ۵۱.

حق العملکار در مقابل انجام معامله، مستحق حق الزحمه ای میگردد که به آن حق العمل یا کمیسیون گفته میشود. میزان حق الزحمه معمولاً درصدی از مبلغ معامله تعیین میشود.

دیگر معامله با شخص آمر رابطه حقوقی پیدا نمیکند، بلکه مستقیماً با حق العملکار مواجه بوده و سایر تعهدات و شرایط مذکور در معامله بین طرفین نامبرده معتبر و الزام آور می باشد.

۴ - بیمه کالا - مطابق مقررات قانون تجارت، حق العملکار مکلف به بیمه کردن اموالی که موضوع معامله است، نمی باشد مگر اینکه آمر دستور داده باشد. (ماده ۳۶۰) بنابراین اگر حق العملکار مال التجاره را بیمه نکند، ایرادی بر او وارد نیست، حتی اگر در اثر بیمه نکردن کالا و ایجاد خطر، خسارت و زیانی به آمر وارد آمده باشد. لیکن اگر آمر دستور بیمه کردن کالا را به حق العملکار داده است، وی باید کالای مزبور را بیمه نموده و بدیهی است که می تواند حق بیمه را از آمر وصول نماید. همچنین در صورتی که کالا بیمه شده باشد حق العملکار موظف است عنداللزوم نسبت به اموری که حقوق آمر را در این رابطه محفوظ میدارد، اقدام نماید.

۵ - انجام دستورات آمر - حق العملکار باید دستورات آمر را در مورد نحوه انجام معامله و

همانگونه که ذکر شد، حق العملکار به حساب آمر عمل میکند، به این معنا که نتایج معامله اعم از نفع یا ضرر، متوجه آمر خواهد بود. اگر حق العملکار موفق شود که با شرایطی مساعدتر از آنچه که آمر دستور داده است معامله کند، در اینصورت نیز مطابق ماده ۳۶۵ ق.ت. حق استفاده از تفاوت قیمت یا به عبارتی مازاد بر قیمت فروشی که آمر دستور داده را ندارد. همچنین است حالتی که حق العملکار کالای سفارش شده از سوی آمر را به قیمت کمتری خریداری نماید. ماده مذکور میگوید: «اگر حق العملکار مال التجاره را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده بخرد و یا به بیشتر از قیمتی که آمر تعیین نموده به فروش رساند، حق استفاده از تفاوت قیمت را نداشته و باید آن را در حساب آمر محسوب دارد».

نکته قابل توجه اینست که حق العملکار گرچه به حساب آمر معامله میکند، ولی باید معامله را به نام خود انجام دهد و جز در مواردیکه آمر اجازه داده باشد حق ندارد نام او را افشاء نماید. بدین ترتیب حق العملکار شخصاً یکی از طرفین معامله می باشد و طرف

۲ - نرخ یا ارزش کالا در بورس - بورس مرکزی است که در آن اوراق بهادار یا کالا مورد داد و ستد قرار میگیرد.



میزان قیمت در خرید یا فروش کالا در نظر داشته و نسبت به انجام آنها کوتاهی ننماید. این دستورات ممکن است در امور ذیل صادر و به اطلاع حق العملکار برسد:

۱- ۵- معامله به قیمت معین -  
چنانکه گفته شد حق العملکار باید در اقدام به انجام معامله، دستورات آمر را در نظر داشته و دقیقاً رعایت نماید. یکی از سفارشات مزبور ممکن است «انجام معامله به قیمت معین» باشد که در اینصورت حق العملکار چه در خرید و چه در فروش کالا، باید دستور صادره از سوی آمر را اجرا کند.<sup>۱</sup> بدیهی است، چنانچه حق العملکار دستورات آمر را به انجام نرساند مسئول خسارات وارده و یا تفاوت قیمت در مورد فوق خواهد بود، مگر اینکه در مورد فروش کالا ثابت نماید اگر معامله علیرغم عدول از قیمت معین انجام نمی‌گرفت، ضرر بیشتری بر آمر وارد می‌آمد و از طرفی تحصیل اجازه از آمر نیز در موقع مقتضی مقدور نبوده است. ماده ۳۶۳ق.ت. در این مورد مقرر میدارد: «اگر حق العملکار مال التجاره را به کمتر از حداقل قیمتی که آمر معین کرده به فروش رساند، مسئول تفاوت قیمت خواهد بود مگر اینکه ثابت نماید از ضرر بیشتری احتراز کرده و تحصیل اجازه آمر در موقع مقتضی، مقدور نبوده است».

هر چند ماده مذکور ناظر بر فروش کالا به کمتر از قیمتی است که آمر تعیین نموده

است، ولی بنظر میرسد تحت شرایطی، این حکم در مورد خرید بیشتر از قیمت تعیین شده از سوی آمر نیز مصداق داشته باشد. با این توضیح که چنانچه حق العملکار خرید کالایی را به بیشتر از قیمت تعیین شده از طرف آمر انجام دهد، باید تفاوت قیمت را بپردازد، مگر اینکه ثابت نماید اگر اقدام به خرید کالا با قیمت بالاتر نمی‌کرد، ضرر بیشتری بر آمر وارد می‌آمد و از طرفی تحصیل اجازه از او در موقع لزوم غیرمقدور بوده است. بطور مثال، اگر آمر کالایی را به حق العملکار تحویل نموده تا با قیمت معین به فروش رساند و از طرفی به وی دستور داده است برای حفظ و نگهداری این کالا تا زمان مناسب برای فروش و با قیمت تعیین شده، وسیله سردکننده و یا هر وسیله موردنیاز دیگر را با قیمت معین و معمول آن خریداری نماید و حق العملکار با چنان وضعیتی مواجه شود که از طرفی کالا در معرض فاسد شدن باشد و از طرف دیگر بهاء وسیله سردکننده مثلاً بیشتر از قیمت تعیین شده از سوی آمر باشد، ولی یقین حاصل شود که چنانچه وسیله یادشده، حتی اگر با قیمت بالاتری خریداری شود از فاسد شدن کالا و ورود خسارت بیشتر جلوگیری می‌نماید و مقایسه این دو وضعیت نفع آمر را به خوبی نمایان سازد، حق العملکار باید وسیله سردکننده را حتی با قیمت بالاتر خریداری نماید تا از ضرر بیشتر بر آمر جلوگیری به عمل آید.

حق العملکار در مقابل آمر برای وصول مطالبات خود از او نسبت به اموالی که موضوع معامله بوده یا نسبت به قیمتی که اخذ کرده، حق حبس خواهد داشت.

خرید و فروش اسناد و اوراق بهادار اهمیت دارد که ممکن است قیمتها در ساعات مختلف روز تغییر نماید. بنابراین با اعلان اولین قیمت رسمی روز، حق العملکار باید به خرید یا فروش اقدام نماید، زیرا در غیر این صورت و در حالتی که خرید یا فروش در ساعات مختلف روز انجام شود، احتمال اینکه قیمتها نوسان پیدا کند وجود داشته و ممکن است حق العملکار در معرض ایراد آمر قرار گیرد<sup>۱</sup>.

اگر آمر دستور داده باشد که حق العملکار معامله را به بهترین قیمت روز انجام دهد، چون معلوم نیست که بهترین و مساعدترین قیمت برای آمر چه خواهد بود، حق العملکار اگر به اولین قیمت رسمی اعلان شده معامله کند، به تکلیف خود عمل نموده است<sup>۲</sup>، لیکن اگر حق العملکار یقین داشته باشد که بهترین قیمت برای معامله در ساعات مشخصی از روز می باشد بنظر میرسد باید در این زمان اقدام به انجام معامله نماید. در غیر این صورت به جهت عدم رعایت دستورات آمر، باید از عهده خسارات احتمالی برآید.

۲-۵- معامله با تعیین میزان حداقل یا حداکثر قیمت - اگر آمر حداقل قیمت فروش و یا حداکثر قیمت خرید کالا را تعیین نموده باشد، حق العملکار نمی تواند از آن تجاوز نماید و همین که خرید یا فروش کالا را در حدود قیمت مذکور از سوی آمر انجام دهد به دستورات وی عمل نموده است.

اگر حق العملکار تقصیر کرده باشد باید از عهده کلیه خساراتی که از عدم رعایت دستور آمر ناشی شده، برآید. ولی اگر مال التجاره را به کمتر از قیمتی که آمر معین نموده بخرد یا بیشتر از قیمتی که تعیین کرده به فروش رساند به حکم صریح ماده ۳۶۵ ق.ت. حق العملکار حق استفاده از تفاوت را نداشته و باید آن را در حساب آمر محسوب دارد.

۳-۵- معامله به قیمت روز - اگر آمر دستور داده باشد که حق العملکار خرید و فروش کالا را به قیمت روز انجام دهد، در این صورت نیز وی مکلف به رعایت دستور آمر می باشد اعم از اینکه بعداً قیمت کالای معامله شده ترقی یا تنزل نماید. این موضوع بیشتر در معاملات بورس و

۱ - عبد الحمید اعظمی زنگنه، حقوق بازرگانی، چاپ چهارم (تهران: بی نا، ۱۳۵۳) ص ۲۹۸

۴ - ۵ - معامله به نقد یا نسیه - ممکن است آمر نوع معامله را از نقد یا نسیه برای حق العملکار تعیین کرده باشد که در این حالت نیز مانند سایر موارد فوق باید دستور آمر رعایت گردد و الا در صورت ورود زیان به آمر، حق العملکار مسئول جبران آن می باشد. حال چنانچه آمر اجازه بخصوصی در مورد نوع معامله از نقد یا نسیه نداده باشد، حق العملکار باید به نقد معامله کند مگر اینکه معامله به نسیه اعم از خرید یا فروش، داخل در عرف تجارتي محل باشد. ماده ۳۶۶ ق.ت. چنین مقرر داشته است، «اگر حق العملکار بدون رضایت آمر، مالی را به نسیه بفروشد یا پیش قسطی دهد، ضررهای ناشی از آن متوجه او خواهد بود معذک اگر فروش به نسیه داخل در عرف تجارتي محل باشد حق العملکار مأذون به آن محسوب میشود مگر در صورت دستور مخالف آمر». چنانکه در موارد مذکور ملاحظه گردید، قاعده کلی برای حق العملکار رعایت دستورات آمر در انجام معامله می باشد، مگر در مواردیکه رعایت این دستورات موجب زیان بیشتری بر آمر گردد و تحصیل اجازه از وی نیز در موقع لزوم مقدور نباشد و الا موجبات مسئولیت و جبران زیان وارده، علیه حق العملکار فراهم میگردد. سؤالی که مطرح میشود اینست که اگر حق العملکار با وجود دریافت دستور مربوط به انجام معامله، اصولاً درصدد «انجام معامله» بر نیاید یا آنکه در نتیجه افعال و تأخیر او در انجام عمل تغییراتی حاصل شود و در اثر آن آمر زیان

ببیند، آیا حق العملکار مسئول زیان وارده می باشد یا خیر؟

قانون تجارت در ماده ۳۶۴ حکم مسأله را روشن نموده است. مطابق این ماده، اگر حق العملکار تقصیر کرده باشد باید از عهده کلیه خساراتی نیز که از عدم رعایت دستور آمر ناشی شده برآید. همچنین، طبق ماده ۶۶۶ قانون مدنی «هرگاه از تقصیر وکیل خسارتی به موکل متوجه شود که عرفاً وکیل مسبب آن محسوب میگردد، مسئول خواهد بود»، بنابراین در صورت ثبوت تقصیر، حق العملکار مکلف به جبران خسارت وارده به آمر خواهد بود.

د - حقوق حق العملکار - حق العملکار در برابر انجام معاملات سفارش شده از طرف آمر و همچنین هزینه هایی که برای انجام موضوع حق العملکاری می نماید، مستحق حقوقی به شرح ذیل میگردد:

۱ - چنانچه حق العملکار جهت انجام معامله متحمل هزینه هایی گردیده که این هزینه ها برای معامله و نفع آمر لازم بوده است، مطابق ماده ۳۶۸ قانون تجارت می تواند علاوه بر اصل، منفعت آن را نیز از آمر دریافت دارد، زیرا حق العملکار به دستور آمر عمل میکند و همانطور که نتایج معامله متوجه آمر می باشد، هزینه های لازم جهت انجام معامله را نیز باید بپردازد. ماده ۳۶۸ ق.ت. مقرر میدارد: «مخارجی که حق العملکار کرده و برای انجام معامله و نفع آمر لازم بوده و همچنین هر مساعده ای که

حق العملکار تنها در یک صورت حق دارد شخصاً طرف معامله با آمر قرار گیرد، و آن زمانی است که موضوع معامله خرید یا فروش مال التجاره یا اسناد تجارتي یا سایر اوراق بهاداری باشد که مظنه بوری یا بازاری دارد، مشروط بر اینکه آمر دستور مخالفی در این مورد نداده باشد.

میگردد که به آن حق العمل یا کمیسیون گفته میشود. میزان حق العمل معمولاً درصدی از مبلغ معامله تعیین میشود ولی چنانچه بجای درصدی از مبلغ معامله، کالا یا چیز دیگری که ارزش مالی و معاملاتی داشته باشد، به عنوان حق العمل تعیین گردد، ایرادی وجود نخواهد داشت.

اگر حق العملکار به علت عمل مستقیم آمر و یا فعل غیرمستقیم او نظیر «تسبیب»<sup>۱</sup> نتواند معامله را به انجام برساند بگونه ای که بتوان عدم اجرای معامله را مستند به فعل آمر نمود، حق العملکار همچنان مستحق حق العمل می باشد، ولی چنانچه بعضی از امور مربوط، به علل دیگری نظیر ممنوع شدن مورد معامله از طرف دولت، انجام ناپذیر گردد مشارالیه مستحق اجرتی میگردد که عرف و عادت محل برای اقدامات انجام شده معین می نماید. ماده ۳۶۹ ق.ت. مقرر

به نفع آمر داده باشد باید اصلاً و منفعتاً به حق العملکار مسترد شود. حق العملکار می تواند مخارج انبارداری و حمل و نقل را نیز به حساب آمر گذارد». هر چند قانونگذار سال ۱۳۱۱ ه.ش. در وضع این ماده به مسأله بهره مخارج و مساعدت اشاره نموده است، ولی به لحاظ عدم مشروعیت اخذ بهره در نظام اقتصادی اسلام، مگر در موارد مصرحه در کتب فقهی این حکم قابل اجرا نمی باشد. نکته قابل ذکر دیگر اینست که اگر بین حق العملکار و آمر شرط شده باشد که حق العملکار مخارج انجام معامله را خود برعهده داشته باشد، از آن پس حق العملکار حق رجوع به آمر در مورد مذکور را نخواهد داشت.

۲ - همانگونه که در تعریف حق العملکار ذکر گردید، حق العملکار در مقابل انجام معامله مستحق حق الزحمه

۱ - تسبیب به معنای ایجاد سبب یا سبب ساختن است و در اصطلاح حقوقی به این معناست که کسی بر اثر انجام یا ترک عملی سبب تلف یا نقصان مالی گردد، که در صورت اول مسبب باید مثل یا قیمت مال را بپردازد و در صورت دوم باید از عهده نقص قیمت آن مال برآید. ماده ۳۳۱ قانون مدنی میگوید: «هر کس سبب تلف مالی شود باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده نقص قیمت آن برآید».

میدارد، «وقتی حق العملکار مستحق حق العمل میشود که معامله اجرا شده و یا عدم اجرای آن مستند به فعل آمر باشد. نسبت به اموری که در نتیجه علل دیگری انجام پذیر نشده حق العملکار برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی خواهد بود که عرف و عادت محل معین می نماید».

همچنین حق العملکار زمانی استحقاق دریافت حق العمل را دارد که مأموریت خود را به درستی انجام داده باشد و الا در صورت ارتکاب عمل نادرست علاوه بر عدم استحقاق حق العمل، ممکن است مجازات عمل مزبور را در صورت جرم بودن، تحمل نماید. ماده ۳۷۰ ق.ت. در این مورد میگوید: «اگر حق العملکار کار نادرستی کرده و مخصوصاً در موردی که به حساب آمر قیمتی علاوه بر قیمت خرید و یا کمتر از قیمت فروش محسوب دارد، مستحق حق العمل نخواهد بود...» دستور فوق مانع از اجرای مجازاتی که برای خیانت در امانت مقرر است، نیست».

۳ - به موجب ماده ۳۷۱ ق.ت. «حق العملکار در مقابل آمر برای وصول مطالبات خود از او نسبت به اموالی که موضوع معامله بوده و یا نسبت به قیمتی که اخذ کرده، حق حبس<sup>۱</sup> خواهد داشت».

بنابراین در صورتی که آمر حاضر

به پرداخت مطالبات حق العملکار نباشد، وی می تواند تا زمان دریافت و وصول مطالبات خود، اعم از حق العمل و سایر هزینه های قابل وصول، از تسلیم اموال مزبور و یا وجوهی که از فروش کالا حاصل گردیده است خودداری نماید.

مستتبط از ماده فوق اینست که زمانی که قسمتی از مطالبات حق العملکار وصول گردیده ولی قسمت دیگر هنوز پرداخت نشده است، حق حبس برای حق العملکار باقی خواهد بود. همچنین حق حبس اعمال شده از سوی حق العملکار تا زمان وصول کامل طلب می تواند ادامه داشته باشد.

این امتیاز فوق العاده ایست که قانون برای حق العملکار داده است و در برابر مسئولیت ها و وظایف سنگینی که دارد، ایجاد آن مقرون به انصاف و عدالت است.<sup>۲</sup>

۴ - در موردی که آمر مال التجاره را بدون دادن دستور نزد حق العملکار معطل بگذارد، چون ممکن است از این بابت مخارجی به حق العملکار تحمیل شود یا اینکه خساراتی به او وارد گردد، حق العملکار می تواند با در نظر گرفتن منافع آمر، مال التجاره مزبور را به فروش برساند.<sup>۳</sup> ماده ۳۷۲ ق.ت. تصریح کرده است: «اگر فروش مال ممکن نشده و یا آمر از اجازه فروش رجوع کرده و مال التجاره را بیش از

۱ - حق حبس کالا:

۲ - کاتبی، پیشین، ص ۲۷۹.

۳ - ستوده تهرانی، پیشین، ص ۵۷.

حق العملکار به عنوان وکیل و امین آمر موظف است وظایف خود را طبق مقررات مربوطه در قانون تجارت و ضوابط مقرر در باب وکالت قانون مدنی به انجام رساند.

مطابق مقررات مربوط به حق العملکاری، در هر موردی که حق العملکار شخصاً می‌تواند خریدار یا فروشنده واقع شود، اگر انجام معامله را به آمر بدون تعیین طرف معامله اطلاع دهد خود، طرف معامله محسوب خواهد شد، ولی اگر آمر از امر خود رجوع کرده و حق العملکار قبل از ارسال خبر انجام معامله از این رجوع مستحضر گردد، دیگر نمی‌تواند شخصاً خریدار یا فروشنده واقع شود. (مواد ۳۷۵ و ۳۷۶ ق.ت.) زیرا صاحب مال تا وقتی که معامله صورت نگرفته است حق رجوع دارد و اگر قبل از تصمیم حق العملکار به انجام معامله، که با ارسال خبر محقق می‌گردد، رجوع بنماید چون معامله صورت نگرفته است باید بتواند از حق خود استفاده کند.<sup>۱</sup>

با عنایت به ماده ۵۲۹ ق.ت. چنانچه حق العملکار به عنوان یک تاجر، ورشکست گردد و اموالی از آمر نزد او امانت بوده یا برای فروش تحویل شده باشد، مادام که عین آنها کلاً یا جزء باقی است از طرف آمر قابل استرداد می‌باشد.<sup>۲</sup>

حد متعارف نزد حق العملکار بگذارد، حق العملکار می‌تواند آن را با نظارت مدعی العموم (دادستان) یا نماینده او به طریق مزایده به فروش برساند. اگر آمر در محل نبوده و در آنجا نماینده نیز نداشته باشد فروش بدون حضور او یا نماینده او به عمل خواهد آمد ولی در هر حال قبلاً باید به او اخطاریه رسمی ارسال گردد، مگر اینکه اموال از جمله اموال سریع الفساد باشد».

۵ - همانگونه که ذکر شد، حق العملکار تنها در یک صورت حق دارد شخصاً طرف معامله با آمر قرار گیرد و آن زمانی است که موضوع معامله خرید یا فروش مال التجاره یا اسناد تجارتي و سایر اوراق بهاداری باشد که مظنه بورسی یا بازاری دارد، مشروط بر اینکه آمر دستور مخالفی در این مورد نداده باشد. در این قبیل موارد حق العملکار باید قیمت را بر طبق مظنه بورسی یا نرخ بازار در روزی که وکالت خود را انجام می‌دهد منظور دارد و حق خواهد داشت که هم حق العمل و هم مخارج عادی حق العملکاری را برداشت نماید.

۱ - اعظمی زنگنه، پیشین، ص ۳۰۱.

۲ - ماده ۵۲۹ ق.ت. می‌گوید: «مال التجاره‌هایی که در نزد تاجر ورشکسته امانت بوده یا به مشارالیه داده شده است که به حساب صاحب مال التجاره به فروش برساند، مادام که عین آنها کلاً یا جزء نزد تاجر

در صورت تعدی و تفریط در انجام عمل (تقصیر)، حق العملکار، طبق اصول کلی حقوقی مسئول خساراتی می‌باشد که در نتیجه عمل او به امر وارد شده است. همچنین علاوه بر مسئولیت حقوقی، ممکن است در مواردی مسئولیت کیفری نیز متوجه وی گردد.

حقوق و تکالیف حق العملکار را در مقابل طرف معامله و آمر معین می‌سازد. مطابق ماده ۳۵۸ این قانون، مقررات و ضوابط حاکم بر حق العملکاری علاوه بر موارد مذکور در قانون تجارت (مواد ۳۵۷ الی ۳۷۶) مقررات قانون مدنی در باب وکالت را نیز شامل می‌گردد.

بر اساس ضوابط موجود در قوانین یاد شده، حق العملکار به عنوان امین و وکیل آمر موظف است احتیاط لازم را در انجام عمل بنماید و مأموریت خود را بدون تعدی و تفریط به نحو متعارف و مطابق سفارشات و دستورات آمر به انجام رساند. همچنین به سایر وظایفی که قانون تجارت بدون قید صدور دستور آمر بر عهده او گذارده است، توجه کافی داشته و رعایت نماید. در مقابل انجام این وظایف است که حق العملکار مستحق حقوقی به شرح مقرر در قرارداد طرفین و موارد مذکور در قانون تجارت می‌گردد. از جمله این حقوق، اخذ حق العمل و هزینه‌های به عمل آمده در موارد لازم می‌باشد.

هـ - مسئولیت حق العملکار -  
حق العملکار به عنوان وکیل و امین آمر موظف است وظایف خود را مطابق قرارداد و برابر مقررات مربوطه در قانون تجارت و ضوابط مقرر در باب وکالت قانون مدنی به انجام رساند. بدیهی است در صورت تعدی و تفریط در انجام عمل (تقصیر)، طبق اصول کلی حقوقی مسئول خساراتی خواهد بود که در نتیجه عمل او به امر وارد گردیده است. همچنین علاوه بر مسئولیت حقوقی، ممکن است در مواردی مسئولیت کیفری نیز متوجه حق العملکار گردد که در اینصورت مطابق مقررات موجود جزائی، مشارالیه تحت تعقیب قرار می‌گیرد.

و - نتیجه گیری: آنچه به عنوان نتیجه مطالب مذکور می‌توان یاد کرد، اینست که حق العملکاری مطابق مقررات قانون تجارت عمل تجارتهی محسوب میشود و در صورتی که شخص عامل، بطور معمول و متعارف اقدام به آن نماید تاجر تلقی می‌گردد. قانون تجارت برای حق العملکاری مقرراتی وضع نموده که

ادامه در صفحه ۱۱۰

ورشکسته موجود یا نزد شخص دیگری از طرف تاجر مزبور به امانت یا برای فروش گذارده شده و موجود باشد قابل استرداد است.»